گذر

۱۳ پرونده تخلف خودروسازان به دادگاه می‌رود

● **تسنیم:** علی علی‌لو، رییس هیات تحقیق‌وتفحص از خودروسازان با بیان اینکه این هفته ۱۳ پرونده متخلفان شناسایی شده در گزارش هیات تحقیق‌وتفحص برای صدور حکم به مراجع قضایی ارسال می‌شود، گفت: بعد از قرائت گزارش در کمیسیون صنایع، جزییات آن را رسانه‌ای می‌کنم.

روایت بازرگان آمریکایی از ایران

همه کشورها در بازار ایران حضور دارند، جز آمریکا

● **خبرآنلاین:** یک بازرگان ایرانی که در بخش کشاورزی فعالیت می‌کند پس از بازدید از ایران، شگفت‌زده شده است. جیم ریدل بازرگان آمریکایی که در بخش کشاورزی و به طور خاص در زمینه محصولات ارگانیک فعالیت می‌کند تجربیاتش از سفر اخیرش به ایران را در وب‌سایت «واینوندیلینیوز» منتشر کرده است. آقای ریدل نوشته: «برخلاف باور عمومی، ایران کشوری فقیر یا عقب‌مانده نیست بلکه خودروها و تکنولوژی‌های پیشرفته در ایران با فرهنگ قدیمی و سنت‌ها ترکیب شده‌اند. البته هیچ‌کدام از این خودروها و تکنولوژی‌های مدرن از آمریکا نیامده‌اند و در حالی که کشور ما (آمریکا) و ایران هیچ رابطه دیپلماتیک رسمی و تجاری ندارند، شرکت‌های اروپایی، آسیایی و استرالیایی محصولاتشان را به کشوری با بیش از ۸۰میلیون جمعیت می‌فروشند. همه دنیا در اینجا مشغول فعالیت هستند به غیراز ما (آمریکایی ها).»

رییس سابق سازمان خصوصی‌سازی:

شرکت فروخته می‌شد اما خریدار به داخل راه داده نمی‌شد

● **فارس:** غلامرضا حیدری کرد زنگنه، رییس سابق سازمان خصوصی‌سازی در گفت‌وگو با فارس، مطالبی را در مورد خصوصی‌سازی عنوان کرده که بخش‌هایی از آن در ادامه می‌آید:

– پس از آنکه به سازمان خصوصی‌سازی آمدم یکی از مهم‌ترین مشکلات، عدم وجود بانک اطلاعاتی برای شرکت‌های دولتی بود و شرکت‌ها به صورت جزیره‌ای در سازمان پراکنده شده بودند. در سازمان خصوصی‌سازی تا پیش از ورود من چند شرکت از برخی وزارتخانه‌ها واگذار شده بود.

– ابتدا برای ساماندهی از تمام وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها به همراه سیستم جامع نرم‌افزاری اطلاعات شرکت‌ها نوشته شد که همزمان با آن سیاست‌های کلی مقام‌معظم‌رهبری درخصوص اصل ۴۴ قانون اساسی ابلاغ شد و بلافاصله ماموریتی به سازمان خصوصی‌سازی داده شد که بر اساس آن باید لایحه اصل ۴۴ قانون اساسی در سازمان خصوصی‌سازی تهیه شود.

– ما مشکلات زیادی در دریافت اطلاعات داشتیم و در زمان ارزیابی دارایی‌ها شرکت‌ها و بنگاه‌ها عمدتا برخی اموال را نشان نمی‌دادند و آنان را پنهان می‌کردند.

– در برخی موارد هم شرکت فروخته می‌شد و خریدار را داخل کارخانه راه نمی‌دادند و در کنار آن بسیاری از اموال را غارت می‌کردند.

– وزیر اقتصاد به‌عنوان یک عضو کابینه در مقابل ۲۰ وزیر کار زیادی نمی‌توانست انجام دهد و اغلب نمایندگان هم با مسوولان، رایزنی می‌کردند که فلان شرکت به فلان مجموعه واگذار شود.

شرکت‌های نفتی در زمان واگذاری‌های نقدی، بیشترین مقاومت را می‌کردند و به این دلیل که این شرکت‌ها مرغوب‌ترین شرکت‌ها بودند در پایان بابت بدهی دولت به صورت رد دیون واگذار شدند؛ از شرکت‌های خارجی هم درخواست خرید برای شرکت‌های نفتی ایرانی می‌آمد، اما این شرکت‌ها تنها به مجموعه‌های داخلی فروخته شدند. – متاسفانه آنچه مورد نظر رهبری بود، به نحو کامل انجام نشد گرچه بسیاری از شرکت‌ها واگذار شدند. در بند «ج» که بحث واگذاری بود منشا تمام ایرادها به قوای سه‌گانه بازمی‌گردد، چراکه دولت و مجلس نسبت به واگذاری‌ها تصمیم‌می‌گرفتند.

داغ‌شدن بازار مسکن در ابتدای تابستان

● **ایسنا:** میزان قراردادهای اجاره در اردیبهشت امسال نسبت به فروردین، ۵۷ درصد و نسبت به مدت مشابه پارسال ۱۱ درصد افزایش یافته است. در پی بازگشت رونق به بازار مسکن و افزایش میزان قراردادهای منعقدشده در این بخش و همچنین آغاز فصل تابستان و داغ‌شدن بازار اجاره، میزان معاملات در این بخش نیز افزایش یافته و از کل معاملات مسکن اجاره‌نامه‌ها سهم ۲۹ درصدی را به خود اختصاص داده‌اند. بر اساس آمارها از ۲۲۸ هزار مورد قرار داد منعقدشده در اردیبهشت بیش از ۶۵ هزار قرارداد مربوط به اجاره‌نامه‌ها بوده که نسبت به فروردین ۵۹ درصد افزایش یافته است. همچنین اجاره‌نامه اردیبهشت امسال نسبت به مدت مشابه سال قبل، بیش از هشت‌هزار مورد (معادل ۱۱ درصد) بیشتر شده است. طبق آنچه وزیر راه و شهرسازی اعلام کرده: «میزان افزایش نرخ اجاره‌بها از ابتدای امسال با افزایش هشت درصدی روبه‌رو بوده است» درحالی که به گفته مشاوران املاک طی نیمه اول امسال نرخ اجاره‌بها در شهرهای بزرگ با افزایش حدود ۱۵ درصدی و در شهرهای کوچک با افزایش کمتر از ۱۰ درصدی مواجه خواهد بود.

حسین عبده‌تبریزی در گفت‌وگو با« شرق» بررسی کرد

راهکارهای گریز از تنگنای «رکود تورمی»

ادامه از صفحه ۴

لازمه خروج از رکود تورمی را بهبود رشد اقتصادی همراه با تولید اشتغال عنوان کردید. این دو عامل جامعیت کامل برای رفع بحران اقتصاد ایران را دارد؟

البته، در کنار دقت‌هایی که دولت برای کنترل تورم دارد و در کنار آن باید اقتصاد را راه بیندازد و باید حرکت بزرگی ایجاد کند، ضرورت دارد یک کار بزرگ دیگر نیز انجام دهد و آن اینکه نرخ ارز را به‌درستی کنترل کند. نرخ ارز اگر به‌درستی تعیین نشود، برنامه‌های کنترل تورم دولت را برهم می‌ریزد. در کنار همه اینها، بحث هدفمندکردن یارانه‌ها و آثار اقتصادی- سیاسی آن مطرح است؛ در عین ضرورت، اجرای این طرح آثار اقتصادی- سیاسی گسترده‌ای دارد. دولت با مجموعه گسترده‌ای از این مسایل روبه‌روست: چگونه طرح هدفمندکردن را برای جامعه ایران قابل‌تحمل کند، چگونه نرخ ارز را تعیین کند که تورم و رشد در حالت تعادل قرار گیرند، چگونه تورم را کنترل کند، چگونه رشد اقتصادی و اشتغال ایجاد کند. همه اینها با هم در یک زمان در مقابل دولت است. دولت با همه این مسایل به یکباره مواجه است و اینها تک‌تک مسایلی بسیار دشوار است. به‌علاوه، بحث‌هایی مثل بهره‌وری، فساد اداری، عادت به کار پایین و ... مشکلاتی است که اقتصاد ایران با آنها درگیر است. ولی، دولت با آن چهار حوزه اصلی به‌طور دایم باید کار کند.

یعنی منظورتان کنترل تورم، ارتقای اشتغال و رشد اقتصادی، کنترل نرخ ارز و پیشبرد طرح هدفمندکردن یارانه‌هاست؟

بله، ولی منظورم کنترل نرخ ارز نبود؛ منظورم مدیریت نرخ ارز است. به‌هرحال، دولت هنوز دارنده بخش عمده ارز است و می‌تواند در بازار ارز صاحب نفوذ و تاثیر باشد. از این‌رو، نرخ ارز را باید طوری تعیین کند که درعین‌حال که تولید و صادرات به خطر نمی‌افتد، به اقتصاد ایران نیز شوک وارد نشود و این کار هم کاری آسان نیست.

اگر اجازه دهید کمی درباره برنامه‌های در دست اجرا صحبت کنیم. با توجه به آنچه دولت قرار است در سال‌جاری انجام دهد؛ ارزیابی شما از نرخ تورم تا پایان سال ۹۳ چیست؟

دولت نرخ ۲۵درصد را هدف گرفته است. در این نرخ البته افزایش قیمت حامل‌های انرژی نیز لحاظ شده است؛ به‌نظر من این نرخ کاملا دست‌یافتنی است. پیش‌بینی خود من آن است که دولت می‌تواند حتی تا مرز ۲۰درصد، نرخ تورم را پایین بیاورد. بنابراین هدف‌گذاری ۲۰درصد اتفاق خوبی برای اقتصاد ایران است. اما نمی‌توان به یکباره تورم را کاهش داد. به‌هرحال، وظیفه دولت تنها کاهش تورم نیست. در یکی از سال‌های گذشته تورم به ۱۰درصد هم با زور و فشار واردات کاهش پیدا کرد؛ اما نمی‌توانیم و نباید تولید و اقتصاد را تعطیل کنیم، برای اینکه می‌خواهیم فقط نرخ تورم پایین داشته باشیم و به واردات روی آوریم. اگر به خاطر داشته باشید میوه، کبریت، بلور و ساده‌ترین محصولات مصرفی نیز در آن زمان وارد می‌شد، زیرا دیگر تولید صرف نمی‌کرد. این وضعیت طبعا مدنظر دولت یازدهم نیست. دولت نمی‌خواهد با واردات نرخ تورم را کنترل کند. داستان تورم و رشد و اشتغال باید با تعادل پیش رود. بنابراین فکر می‌کنم نرخ تورم ۲۰درصد، نرخ مناسبی است که برای پایان سال ۱۳۹۳ پیش‌بینی شود.

در شرایطی که تورم باید کنترل شود چگونه دولت می‌خواهد تولید را از رکود خارج کند؟

در مورد برون‌رفت از رکود پیشنهادهای متعددی طرح شده است. برای اینکه پیشنهادی ارایه شود، باید پیدا کرد چه چیزی در شرایط فعلی باعث رکود شده است. به‌نظر می‌رسد دو عامل در این میان مهم‌تر از سایر عوامل است؛ اول اینکه دولت نمی‌تواند مثل گذشته خرج کند. اگر به بودجه دولت به قیمت ثابت سال ۹۰ نگاه کنیم، در سال‌های ۹۱ و ۹۲، دولت کمتر از سال ۹۰ خرج کرده است. بنابراین یکی از موتورهایی که پول را داخل تالاب تولید کالاها و خدمات می‌ریخت، خاموش شده است. دولت نمی‌تواند مثل گذشته پول به داخل این مجرا واریز کند. پس این عامل را باید بشناسیم. موضوع دوم البته وضعیت بانک‌هاست. حال که پول پرقدرت جدید تولید نمی‌شود، همه امید به آن است که چقدر پول یا اعتبار توسط نظام بانکی تولید می‌شود؟ اگر گردش پول حاصل از نظام بانکی هم کند شده باشد، آنگاه باید توجه را روی آن موضوع گذاشت. وقتی بخواهیم این موضوع را بررسی کنیم، لازم است ببینیم چقدر اعتبارات جدید اعطا شده است. اعتبارات جدید اعطایی در سال ۹۲، کمتر از ۹۱ و در سال ۹۱، کمتر از ۹۰ بوده است. یعنی، نه‌تنها دیگر دولت پول پرقدرت تولید نمی‌کند، بلکه نظام بانکی نیز از تولید پول اعتباری عاجز است.

نظام بانکی چرا نمی‌تواند پول مورد نیاز را خلق کند؟ آیا اصولا این کار وظیفه نظام بانکی است؟

بله. درواقع بانکداری مدرن چیزی نیست مگر خلق پول به‌میزان مورد نیاز طرف عرضه. یعنی بانک‌ها متناسب با تولید کالا و خدمات توسط اقتصاد، پول تولید می‌کنند. البته این کار از طریق اعتباردهی صورت می‌گیرد. حتما خوانندگان این مصاحبه با اصطلاح ضریب تکاثر پولی آشنا هستند. یک ریال پول که شما در بانک الف سپرده می‌کنید و آن بانک عمده آن را اعتبار می‌دهد، به سپرده جدیدی در بانک ب می‌انجامد؛ این مساله به‌طور مداوم ادامه می‌یابد و پول خلق می‌شود. اما چرا نظام بانکی نمی‌تواند به‌قدر کافی پول به گردش بیاورد؟ یعنی چرا تنگنای اعتباری ایجاد شده است؟ پاسخ آن است که اعتبار به‌قدر کافی وجود ندارد و تسهیلات به‌قدر کافی اعطا نمی‌شود؛ سرمایه در گردش کسب‌وکارها کاملا محدود شده است. حتی آن صنایعی که ظرفیت مستقر دارند، نمی‌توانند متناسب با ظرفیت مستقر خود، تولید کنند، چون سرمایه در گردش ندارند. بنابراین تنگنای اعتباری به‌وجود آمده است. پس از یک طرف عدم‌توان خرج‌کردن دولت و عدم‌خلق پول پرقدرت توسط بانک مرکزی را داریم و از طرف دیگر تنگنای اعتباری که حاصل عملکرد نظام بانکی است.

ریشه تنگنای اعتباری در چیست؟

دلایل این تنگنا متعدد است. از یک طرف معوقات واقعا ۷۰هزارمیلیاردتومان نیست. معوقات نظام بانکی بسیار فراتر از این ارقام می‌رود. معوقات نظام بانکی اینها نیست. معوقات نظام بانکی به‌معنی کندکردن گردش پولی است که از بانک‌ها به داخل صنایع و کسب‌وکارها ریخته می‌شود. معوقه یعنی طولانی‌شدن طول زمان اعتبارات؛ یعنی بانک تسهیلات را وصول نمی‌کند تا دوباره اعطای تسهیلات کند. بنابراین، گردش پول را معوقات کند می‌کند. حوزه دیگر می‌تواند حبس پول داخل طرح‌های مسکونی و تجاری گرانقیمت در کلانشهرها باشد. سوال مهمی که از نظام بانکی باید کرد این است که چقدر پول به پروژه‌های گرانقیمت شش کلانشهر داده‌اند؟ چقدر از اینها برنگشته است؟ و چقدر از این وجوه به پروژه‌های نیمه‌تمام منجر شده است که از طرف دیگر به محصول نهایی نرسیده است؟ بخشی از وجوه نیز به‌نظر می‌رسد در اینجا حبس شده باشد. حوزه‌های دیگری هم داریم که می‌توانیم به‌عنوان دلیل برای تنگنای اعتباری جاری ذکر کنیم.

تاکید شما بر تنگنای اعتباری و کاهش هزینه‌کرد دولت است، با وجود این مشکلات چگونه می‌توان از رکود خارج شد؟ آیا فقط مشکل رکود کندشدن گردش پول است؟

مساله البته فقط گردش پول نیست.هزاران اشکال دیگر وجود دارد. ولی ما فاکتورهای عمده را بررسی می‌کنیم. چگونه باید برای برون‌رفت از رکود جاری و کمبود منابع مالی شروع به حرکت کرد؟ برای حل معوقات، طبعا نظارت بانک مرکزی اهمیت دارد. فکر می‌کنم اول باید دنبال منابعی بگردیم تا جایگزین تحریم فروش نفت دولت و نیز کمترخرج‌کردن دولت باشد. به گمان من، اگر نخواهیم ساده‌سازی کنیم و بگوییم که حل مناقشه ۱+۵ اهمیت دارد که دارد، باید به صادرات اشاره کنیم. صادرات پتروشیمی و میعانات گازی، محصولات کشاورزی و صنعتی امسال می‌تواند ـ اگر حمایت جدی از آن صورت گیرد ـ تا رقم ۵۰میلیارددلار بالا رود؛ این کمک می‌کند تا اقتصاد بتواند منابع کافی برای حل مشکل تحریم و محدودیت بودجه فراهم آورد. ارزهایی که از این مسیر به‌دست می‌آید، می‌تواند به خلق ریال‌های بسیار در نظام بانکی منجر شود. بنابراین، باید تا آنجایی که می‌شود، راه افزایش صادرات را تسهیل کرد. البته، صادراتی که از آن صحبت می‌کنیم، روشن نیست اشتغال عمده‌ای ایجاد کند. اما حداقل می‌تواند منابع مالی کافی برای جایگزین‌کردن کسری‌ها فراهم آورد. البته باید تنگنای اعتباری را حل کرد. این مساله در گرو پرداختن به عللی است که منتج به این تنگنا شده است. اول، معوقات بانکی. معوقات بانکی فقط با تقویت نظارت در بانک مرکزی و اخذ حمایت از قوه‌قضاییه قابل‌حل است. به‌هرحال، در بین کسانی که معوقه دارند به دو گروه برمی‌خوریم: کسانی که می‌توانند در کوتاه‌مدت یا فوری تسویه کنند و به‌لحاظ اقتصادی ترجیح می‌دهند این کار را انجام ندهند و کسانی که مشکل برای تسویه و بازپرداخت دارند. در مورد دوم باید برنامه‌ریزی اعتباری و استمهال کرد، اما در مورد اول باید دستگاه قضایی برخورد مناسبی انجام دهد.

به نظر می‌رسد تنها راه بازگشت معوقات را اقدام جدی بانک مرکزی می‌دانید... .

به‌هرحال، بخش غیررسمی بانکداری در کشور باید تعطیل شود وگرنه این وضعیت تداوم خواهد یافت. بانک‌ها باید از بانک مرکزی حساب ببرند و باید خود را تحت‌نظارت بانک مرکزی بدانند؛ باید نسبت‌های بانک مرکزی را رعایت کنند و باید اصول نظارتی بانک مرکزی را بپذیرند. کشور به بانک مرکزی بسیار قوی‌تری نیاز دارد تا بتوان مساله معوقات را حل و از ایجاد معوقات مشابه در آینده جلوگیری کرد. در این حوزه، اقدامات بسیاری باید صورت گیرد. موضوع بعدی البته آن است که روش‌های دیگری پیدا کنیم تا کسب‌وکارها از تنگنای اعتباری جاری بیرون بیایند.

منظور راه‌حلی غیراز وصول معوقات است؟

یکی از راه‌حل‌ها، حل مساله بدهی‌های دولت است. دولت باید بتواند بدهی‌های خود را حل‌وفصل کند. اولین پیشنهاد آن است که جریانی از نقدینگی راه بیفتد که به بدهی‌های دولت مربوط است. دولت به صندوق‌های بازنشستگی، بانک‌های تجاری و پیمانکاران خود بدهکار است. بدهی در مورد اول حدود ۸۰ و در موارد بعدی حدود ۳۰هزارمیلیاردتومان برآورد می‌شود. پیشنهاد آن است که در دو مرحله، به‌ترتیب ۳۰ و ۸۰هزارمیلیاردتومان اوراق بدهی ۱۰۰ساله منتشر شود. دولت باید بپذیرد این اوراق کوپن سودی دارد که متناسب با نرخ تورم اعلامی بانک مرکزی، سود پرداخت می‌کند. به‌علاوه، این اوراق اختیار استرداد دارد؛ دولت در هر زمان که منابع نقدی در اختیار داشته باشد، می‌تواند بدون رضایت دارنده اوراق، نسبت به تسویه بدهی خود اقدام کند.

این راه‌حل چه مزیتی دارد؟

انتشار این اوراق مزایای متعددی دارد. اولا، اگر چنین اقدام اصولی صورت نگیرد، رقم کمی در بودجه سال ۱۳۹۴ برای تسویه بدهی‌ها در نظر گرفته خواهد شد؛ مثلا پنج‌هزارمیلیاردتومان. این مساله به‌طور جدی به بستانکاران دولت و به‌ویژه پیمانکاران صدمه می‌زند. تعهد دولت به پرداخت بدهی‌های خود به انضباط بودجه کمک شایانی می‌کند. بدهی دولت باید بدهی ممتاز باشد، نه اینکه به موقعیتی تبدیل شود که هیچ‌کس آن را به‌عنوان بدهی قابل‌وصول نپذیرد. از این‌رو، دولت ناچار است بدهی‌های گذشته خود را تسویه کند و در آینده بدهی‌های خود را به روز و ساعت بازپرداخت کند. مزیت دیگر این اوراق آن است که با بستانکاران دولت تسویه حساب و تعیین تکلیف می‌شود. این بستانکاران مطمئن می‌شوند مطالباتی از دولت دارند که هرچند سررسید آنها دور است، اما دولت متعهد به پرداخت اصل و فرع آن بدهی‌هاست. این بستانکاران به اتکای این اوراق می‌توانند به نهادهای اعتباری مراجعه کرده و تسهیلات دریافت کنند. این اوراق بازار ثانویه خواهد یافت و بستانکاران خواهند توانست در مقابل این اوراق حتی وجه نقد دریافت کنند؛ یا اینکه اوراق را تضمین اخذ تسهیلات کنند. بدین‌ترتیب، جریانی نقدی راه می‌افتد که بدون مراجعه به بانک مرکزی، کسب‌وکارها را از تنگنای اعتباری جاری تا حدی خارج می‌کند. دولت ناچار خواهد بود همه‌ساله سود اوراق را در بودجه جاری پیش‌بینی کند. این اقدام انضباط بودجه‌ای ایجاد می‌کند. به‌علاوه، دولت را از انجام تعهدات جدید و اخذ مبالغ بیشتری که جنس بدهی داشته باشد، دور می‌کند. خصوصی‌سازی نیز در آینده می‌تواند مسیر بهره‌وری و ارتقای کیفیت و رقابت را دنبال کند و مجرایی برای تسویه بدهی‌ها نباشد و موضوع «رد دیون» در این فرآیند مطرح نشود. بدین‌ترتیب و با تسویه و به‌روزشدن بدهی‌های دولت، خصوصی‌سازی در دارایی‌های دولتی نیز مسیری را طی می‌کند که مدنظر سیاست‌گذاران است.

آیا مدیریت نرخ ارز امکان‌پذیر است؟

مدیریت ارز برای ایجاد ثبات و تداوم در اقتصاد ایران اهمیت دارد. اگر خیلی بالا رود و وسیله پس‌انداز شود و همه مردم به خرید ارز روی آورند، همه چیز وضعیت نامناسبی می‌یابد. تورم و بی‌ثباتی فراگیر می‌شود و دستاوردهای اقتصادی محدود جاری دولت نیز به خطر می‌افتد. برعکس، اگر نرخ ارز ثابت بماند، با توجه به نرخ بالای تورم، مشکل برای تولید و صادرات به‌وجود می‌آید. بنابراین، دولت و بانک مرکزی به‌عنوان عرضه‌کننده عمده ارز کشور، طبعا نسبت به قیمت ارز نمی‌توانند بی‌تفاوت باشند. بانک مرکزی مجبور است در مدیریت ارز دخالت کند. پیشنهاد مشخص آن است که نرخ بازده ارز باید از نرخ سود بانکی کمتر باشد تا مردم به‌سمت خرید ارز نروند. ارز نباید وسیله پس‌انداز تلقی شود. درعین‌حال، قیمت ارز باید با شیب ملایمی به‌تدریج و در طول سال و متناسب با نرخ تورم انتظاری بالا رود. شاید نرخ ارزی بین ۳۵۰۰ تا ۳۶۰۰تومان در آخر سال ۱۳۹۳ بتواند نرخی تعادلی تلقی شود که نه مردم را راغب به خرید ارز و نگهداری آن می‌کند و نه شکاف قیمت ریال و ارز ایجاد می‌شود تا در تاریخی در آینده دوباره با جهش قیمتی و بی‌ثباتی ارز مواجه باشیم.

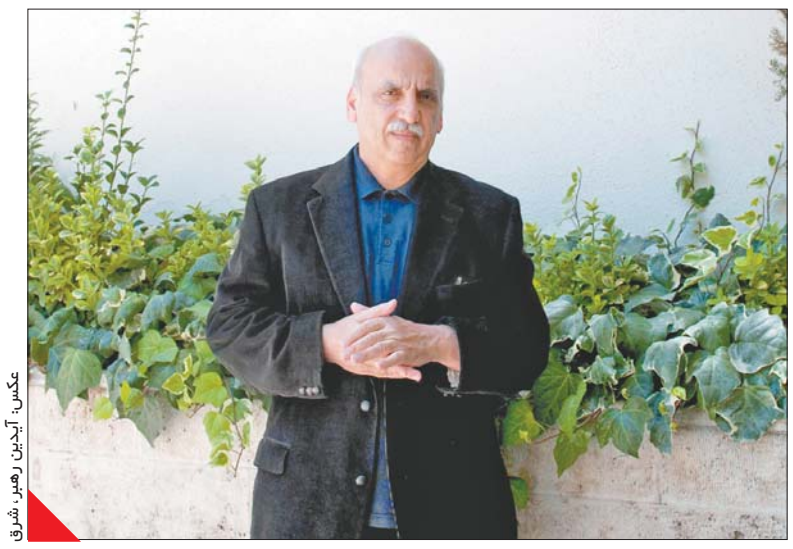

عکس: آیدین رهبر، شرق

خبر

موج جدید تقاضا در راه بازار کار

متولدین دهه ۷۰ آماده اشتغال شدند

● با وجود اینکه بخشی از متولدین دهه ۶۰ هنوز امکان ورود به بازار کار به دلایلی از جمله انجام تحصیلات دانشگاهی و ناموفق‌بودن در جست‌وجوی شغل را نیافته‌اند، متولدین دهه ۷۰ با جمعیت چندمیلیونی در ابتدای مسیر بازار کار قرار گرفته‌اند.

طبق اعلام مرکز آمار ایران بین ۳۷/۵۵ تا ۴۲/۲۹ درصد از کل جمعیت ۶۰ میلیون نفری کشور در فاصله سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۷۰ جوان بوده‌اند که یک جمعیت تقریبا ۲۴ میلیون نفری را تشکیل داده‌اند. بر اساس سرشماری‌های صورت‌گرفته در کشور، متولدین دوره ۵۵ تا ۷۰، از پرجمعیت‌ترین گروه‌های جوان کشور بوده‌اند و پس از آن همزمان با کاهش تولدها در کشور، به‌یکباره درصد جوانان در سرشماری‌های صورت‌گرفته در دهه ۸۰ افت کرد. طبق آخرین سرشماری صورت‌گرفته در سال ۹۰ توسط مرکز آمار ایران، تنها ۲۳/۴ درصد جمعیت کشور را جوانان تشکیل می‌دهند که نسبت به دوره ۱۵ ساله ۵۵ تا ۷۰، تقریبا به نصف کاهش یافته و جمعیت کشور به سمت میانسالی و بلکه پیری در حال حرکت است. بررسی نتایج آخرین سرشماری کشور نشان می‌دهد تعداد جوانان کشور از ۲۴ میلیون نفر سال‌های ۵۵ تا ۷۰ به ۱۷/۵ میلیون نفر کاهش خواهد یافت و این مساله می‌تواند منجر به دستیابی آسانتر متقاضیان شغل به بازار کار در سال‌های آینده و در افق ۱۴۰۰ شود. در فاصله سال‌های ۶۵ تا ۷۵ به جمعیت کشور حدود ۱۱ میلیون نفر اضافه شده و از حدود ۴۹ میلیون و ۵۰۰ هزارنفر به ۶۰ میلیون و ۵۰۰ هزارنفر رسیده است. هم‌اکنون بیشتر متقاضیان شغلی دهه ۶۰ مربوط به متولدین بعد از نیمه دهه ۶۰ است. جوانان متولد سال ۶۵ امروز ۲۸ساله شده و اگر وارد بازار کار کشور نشده باشند، قطعا در جست‌وجوی شغل هستند. در عین حال، متولدین سال ۷۰ به ۲۳ سالگی رسیده‌اند و در حال ورود به بازار کار هستند بنابراین با وجود اینکه شرایط بازار کار کشور در هشت‌سال گذشته تغییر محسوسی نداشته؛ انتظار می‌رود موج جدیدی از تقاضا برای کار در کشور این‌بار از سوی متولدین دهه ۷۰ شکل بگیرد. هم‌اکنون جوانان متولد بین سال‌های ۷۰ تا ۷۵ در سنین ۱۸ تا ۲۳ سال قرار دارند. این گروه از جمعیت جوان کشور یا مشغول اتمام تحصیلات متوسطه، تحصیل در دانشگاه، انجام خدمت نظام وظیفه (درباره مردان) یا تلاش برای انجام تحصیلات تکمیلی هستند، اما به‌زودی همه آنها به یک متقاضی جدی شغل در کشور تبدیل خواهند شد و اشتغال خواسته اول آنها خواهد بود.

LEON

Since 1960

آبان جنوبی: خیابان کریم خان زند
خیابان آبان جنوبی، نبش چهارراه ورشو
تلفن : ۸۸۹۰۴۶۲۵-۸۸۹۳۰۳۶۳

نیاوران: خیابان دکتر باهنر(نیاوران)
قبل از دوراهی دزاشیب
تلفن : ۲۲۷۲۴۰۰-۲۲۷۲۴۲۰۰

صبحانه متفاوت در سام سنتر

فرشته: سام سنتر- طبقه ۸
تلفن : ۲۲۶۵۳۸۴۱

www.leon1960.com